

آثار وسواس در زندگی از منظر آیت الله مظاهری

فاطمه سلطانی^۱

چکیده

وسواس نوعی اختلال است که ذهن و رفتار فرد را طوری درگیر می کند که تمام امور روزانه او را تحت تأثیر قرار می دهد و از انجام امور روزانه و رسیدگی به آنها، به طور معمولی جلوگیری می کند. رفتارهای وسواس گونه، باعث اثرات منفی بر زندگی فردی و اجتماعی فرد وسواسی می شود. در مقاله حاضر با روش توصیفی، تبیینی و فیش برداری از کتب، مقالات کتابخانه ای با هدف بررسی آثار وسواس در زندگی از دیدگاه آیت الله مظاهری انجام گرفته است. آیت الله مظاهری در دروس خود به اختلال وسواس و آثار آن در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته اند. برخی از این آثار عبارتند از: خناس بودن، مطرود شدن از دیگران، اتلاف عمر، قاتل خود و دیگران، دچار سفاهت شدن، بدبینی به اطرافیان، خدا و برگزیدگان، غفلت از یاد خدا، اسیر نفس شدن و سلب آرامش.

کلیدواژه ها: وسواس، آثار، زندگی، آیت الله مظاهری

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه فاطمه معصومه (س)، رهنان، ۱۴۰۳.

مقدمه

وسواس نوعی اختلال روانی است که فرد در این اختلال، دچار افکار پریشان، ناخواسته و رفتارهای تکراری می شود. رفتارهای تکراری مانند: شستن دست ها، چک کردن چندین مرتبه قفل بودن در، نظافت، مرتب بودن. اگر فرد مبتلا به اختلال وسواس، در مقابل انجام دادن کارها مقاومت نماید، عموماً دچار استرس و ترس می گردد. برای افراد مبتلا به اختلال وسواس افکار و رفتارهای ناخواسته ادامه دارد و باعث ایجاد استرس در آنها می شود. در سال های اخیر وسواس بر روی زندگی فردی و اجتماعی بسیار تأثیرگذار بوده است. افراد وسواسی می توانند موجب بروز مشکلات زیادی در زندگی فرد گردد.

واکنش ها و پاسخ های رفتاری وسواسی برای «مقابله با افکار منفی» و یا «نتایج و عواقب ناشی از افکار منفی» شکل می گیرند. وسواس های عملی یا اجباری برای کاهش اضطراب ناشی از وسواس های فکری و اعمال خنثی سازی به علت احساس خطر و آسیب احتمالی ناشی از افکار وسواسی انجام می پذیرند. به گونه ای که افراد گاهی خود را مصمم به پاسخ و واکنش می بینند و تصور می کنند اگر به وسواس های عملی و خنثی سازی پاسخ ندهند، زمینه را برای افزایش شدیدتر اضطراب و ناراحتی خود فراهم کرده اند.

رفتارهای وسواس گونه بسیار گوناگون و متفاوت هستند. شستشو و واری، رایج ترین این رفتارهاست. افراد وسواسی و «اهل شستشو» کسانی هستند که هنگام روبرو شدن با اشیا یا افکار خاص و معینی، احساس آلوده شدن پیدا می کنند و ساعات بسیاری مشغول شستن و تمیزکردن می شوند. «واری کننده ها» درها، چراغ ها، اجاق یا درست انجام شدن کارها را بارها و بارها چک می کند، یا آن که این کارها را با تشریفات معین به طور مکرر انجام می دهند و بر این باورند که رفتارهای تشریفاتی آنان، ناشی از افکار و اندیشه های مزاحم مضطرب کننده آنان می باشد. غالباً آن چه که در تمام این رفتارهای تکراری و اجباری به چشم می خورد «شک و تردیدی» است که شخص وسواسی نسبت به احساسات، تشخیص ها و قضاوت های خود دارد. یعنی با وجود اینکه می داند و می بیند که چیزی کثیف نیست یا در قفل شده، بازهم به چشمان خود اعتماد ندارد

تاکنون تحقیقات بسیاری درباره وسواس صورت گرفته است. اما تحقیقی در رابطه با آثار وسواس در زندگی از منظر آیت الله مظاهری به صورت اختصاصی صورت نگرفته است. برخی از تحقیقات عبارتند از: پژوهشی با عنوان «بررسی علل و راهکارهای پیشگیری و درمان وسواس با تأکید بر منابع اسلامی» که توسط فیاضی به نگارش درآمده که علاوه بر بیان علل ایجاد وسواس، به بیان رویکردهای مختلفی همچون رویکرد گروه درمانی، خانواده درمانی، دارودرمانی، جهت ارائه راهکارهای درمان وسواس و همچنین راهکارهایی اسلامی راجع به درمان وسواس پرداخته است. نارویی نصرتی و منصور

در مقاله خود با عنوان «طرح خودیابی اسلامی و درمان وسواس (آلودگی و طهارت، نجاست)» در پی ارائه درمان خودیابی اسلامی بوده اند و برای بررسی از روش میدانی و پرسشنامه ای به درمان وسواس نمونه مورد مطالعه پرداخته اند. بنا بر اهمیت موضوع مورد مطالعه در مقاله حاضر سعی بر آن است تا با محوریت نظرات علامه آیت الله مظاهری، به آثار وسواس در زندگی پرداخته شود.

۱- مفهوم شناسی

۱-۲- وسواس

وسواس در زبان فارسی و عربی در اصل بر نوعی اندیشه و محتوای ناخواسته و نامطلوب دلالت می‌کند، وسواس از ماده وسوسه مشتق شده که بیانگر رابطه شیطان با قبل انسان است، البته این واژه در زبان فارسی به معنای اندیشه‌ای که بر دل می‌گذرد و اندیشه شیطانی و دودلی مورد استفاده قرار گرفته است.^۱ برخی از واژه شناسان درباره وسوسه گفته‌اند: بدی، و کارهای ناصواب را در دل انداختن، و بد اندیشیدن را وسوسه گویند.^۲

وسوسه یکی از اضداد یقین است که در لغت به معنای «همهمه» است؛ از این رو، به صدای آهسته نیز «وسوسه» می‌گویند. در اصطلاح، به خطوراتی گفته می‌شود که به وسیله نفس و شیاطین جن و انس به قلب انسان وارد می‌شود.^۳ در اصطلاح اهل لغت وسوسه به معنی حدیث نفس و با صدای آهسته به سوی چیزی دعوت کردن آمده است، یعنی کلام که در باطن انسان است و نیروی بی ریشه ولی قوی است که به او داشتن انسان به ارتکاب عملی و یا بازداشتن او از انجام امری می‌پردازد، در اصطلاح قرآن کریم وسواس به معنای شیطان و به عنوان شیطان ذکر شده است، به عبارت دیگر کلمه‌ی وسواس مصدر است و غرض از این مصدر معنای وصفی است، مثل جمله‌ی زید عدل، زید عدالت است، که به منظور مبالغه به صیغه‌ی مصدر تعبیر شده است، به دلیل اینکه شیطان بسیار زیاد و به صورت دائم و همیشه انسان را وسوسه می‌کند گویا اصلاً خودش وسواس است.^۴

«وسواسی» به کسی گفته می‌شود که این خطورات به طور مستمر برای او پدید می‌آید و او نیز به آن ترتیب اثر می‌دهد. توضیح آنکه، یکی از اقسام جهل، جهل متردد یا همان شک مصطلح است که اگر این شک به صورت یک حالت در نیاید امری طبیعی است و برای بسیاری از مردم پیش می‌آید، و علاوه بر این، شک را پلی به سوی علم خوانده اند.

^۱ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۰۱

^۲ دهخدا، لغت نامه، ص ۱۸۵

^۳ مظاهری، راهکارهای عملی درمان وسواس به انضمام احکام و استفتائات، ص ۱۳

^۴ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، ج ۲۰، ص ۶۹۰.

اما گاهی این جهل برای انسان به یک حالت تبدیل می شود که به صاحب آن، در اصطلاح فقه، «کثیرالشک» یا «شکاک» و در اصطلاح عرف «وسواسی» گویند.^۱

۱-۲- آیت الله مظاهری

حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری، در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در «تیران»، یکی از شهرستان های استان اصفهان و در خانواده ای مذهبی و روحانی و دوستدار خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پا به عرصه وجود گذاشت. وی از علمای برجسته اخلاق، عضو جامعه مدرسین، رئیس حوزه علمیه اصفهان و از مراجع تقلید شیعه می باشد. تقید به شیرعت و کوشش برای انجام واجبات و ترک محرمات الهی از ویژگی ها برجسته خانواده آیت الله مظاهری به خصوص والد ایشان، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسن مظاهری بود که این مسأله، سهم بسزایی در رشد و تعالی روحی ایشان و علاقمندی معظم له در حوزه علمیه داشت. آیت الله مظاهری با پایان دادن به تحصیلات غیرحوزوی، در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه علمیه اصفهان شد. ایشان دروس ادبیات و نیز بخشی از دوره سطح را در اصفهان، در نزد اساتید بزرگ آن دیار، فرا گرفته و در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی، به منظور تکمیل تحصیلات خود به حوزه علمیه قم وارد شد و پس از پایان تحصیلات سطح عالی، در درس خارج فقه و اصول اعظم حوزه علمیه قم شرکت جسته و در کنار آن به فراگیری دروس فلسفه، همانند اسفار و شفا و نیز تفسیر و کلام پرداختند. در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی با هجرت ایشان از حوزه علمیه قم به شهر اصفهان، حوزه علمیه اصفهان استقلال پیدا کرد. ایشان سالیان بسیاری در حوزه های علمیه علاوه بر دروس اخلاق به تدریس دروس مختلف فقهی، اصولی، فلسفی، ... پرداخته اند. برخی از تألیفات ایشان عبارتند از: *دراسات فی الاخلاق و ثئون الحکمة العلمیة*، عوامل کنترل غرائز در زندگی انسان، فضائل و رذائل اخلاقی، به سوی حق، اخلاق و خودسازی، کاوشی نو در اخلاق اسلامی، اخلاق در توحید، حریم های اخلاق در آئینه احکام، ... تفسیر اخلاقی قرآن کریم یکی از ده ها آثار ارزشمند این مدرس قرآن است.

۲- وسواس در منابع اسلامی

^۱ مظاهری، راهکارهای عملی درمان وسواس به انضمام احکام و استفتائات، ص ۱۳

کلمه «وسواس» در منابع دینی به معنی بیماری خاص به کار نرفته است، بلکه به معنای نیروی بیرونی به کار گرفته، که همان شیطان می باشد.^۱ در قرآن کریم به خصوص در سوره ناس، وسواس به معنای نیروهای بیرونی به کار رفته که انسان را تحریک می کنند.

راغب در کتاب مفردات می گوید: وسواس در اصل صدای آهسته ای است که از به هم خوردن زیور آلات برمی خیزد. سپس به هر صدای آهسته ای گفته شده و بعد از آن، به خطورات و افکار نامطلوبی که در دل و جان انسان پیدا می شود و شبیه صدای آهسته ای است که در گوش فرو می خوانند، اطلاق شده است.^۲

در منابع روایی، به هر دو نوع سنتی وسواس، یعنی وسواس فکری و عملی پرداخته شده است، هرچند خود واژه به معنای بیماری خاص استفاده نشده است. گاهی اشخاصی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام (علیه السلام) سوالی پرسیده اند که حال کسی را وصف نموده اند که به معنای امروزی، دچار وسواس بوده است، به عنوان نمونه، امام صادق (علیه السلام) نقل می کنند: فردی نزد پیامبر خدا آمد و اظهار داشت: یا رسول الله، هلاک شدم. حضرت به او فرمود: شیطان خبیث سراغ تو آمد و در گوشت خواند که تو را چه کسی خلق کرده؟ تو در جواب گفتی خدا. او گفت: خدا را چه کسی خلق نموده؟ مرد گفت: بله، همین اتفاق افتاده است. پیامبر فرمود: این عین ایمان است.^۳

در روایت دیگری آمده است: وقتی درباره شک کردن های زیاد فردی در تعداد رکعات نماز سؤال شد، به گونه ای که نمی داند چند رکعت خوانده و چند رکعت باقی مانده، حضرت فرمودند: در این صورت باید نماز خود را دوباره بخواند. روای می گوید: ما گفتیم هربار که اعاده می کند، دوباره شک می کند، در این صورت چه کند؟ حضرت فرمود که به این شک اعتنا نکنند و به همان اندک گمانی که دارد عمل کرده و نماز خود را نشکنند؛ زیرا اگر این کار را چندین بار انجام دهد، دیگر شک سراغش نمی آید.^۴

۳- اقسام وسوسه از منظر آیت الله مظاهری

وسوسه به دو قسم وسوسه عملی و وسوسه فکری تقسیم می شود.

۱- وسواس های فکری عبارت از اندیشه ها، افکار، تکانه ها و تصویرهای پایداری هستند که به صورت مزاحم و نامتناسب سراغ فرد می آیند و اضطراب و تنیدگی زیادی را به وجود می آورند. از ویژگی مزاحمت و عدم تناسب این امور،

^۱ احمدی، وسواس و درمان آن، ص ۱۰

^۲ طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۹۸؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۴

^۳ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۲۵؛ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۵۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۲۵

^۴ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۴

یکی از آثار وسواس، غفلت و فراموشی یاد پروردگار است. در واقع سرچشمه وسواس غفلت از یاد خداوند است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، فرمودند: وسواس منقاری چون منقار پرندۀ دارد و هرگاه آدمی دچار غفلت گردد آن منقار را در گوش دل او می گذارد و وسوسه می کند. در این هنگام اگر آدمی خداوند عزوجل را یاد کند، وسواس منصرف می شود و کنار می رود. به همین دلیل شیطان را وسواس گویند.^۱

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: شیطان موفق به وسوسه بنده نمی شود مگر اینکه آن بنده از یاد خدا غافل گردد و مسائل را سبک بشمارد و مرتکب نواهی خدا شود و یادش برور که خداوند از رازش با خبر است. خداوند می فرماید: همانا او (شیطان) به کسانی که ایمان آورده اند و به پروردگارشان توکل کرده اند سلطه ندارد، شیطان از راه های مختلف وارد می شود و انسان این راه ها را نمی شناسد مگر اینکه دائم مراقب حال خود باشد، در خدمت پایدار بماند و یاد هیبت مرگ و قیامت باشد، و زیاد به یاد خدا باشد.^۲

آیت الله قاضی (ره) در نامه ای به یکی از شاگردانش می نویسد: «تمام خرابی ها از جمله وسواس و عدم طمأنینه از غفلت است و کمترین مرتبه غفلت، غفلت از اوامر الهی است و سبب تمام غفلت ها، غفلت از مرگ است و تخیل ماندن در دنیا».^۳

همچنین وسواس، خود باعث غفلت می شود و این چرخه ادامه دارد.. شخصی که وسواس در عبادت دارد، تا زمانی که کار خود را درست می پندارد و اعمال دیگران را اشتباه، به خدا پشت کرده است. چون زمام امور را به دست شیطان داده و شیطان دشمن قسم خورده آدمی است و تا انسان را به قعر دوزخ نکشاند دست بردار نیست. کسی که رو به سوی شیطان کند قطعاً پشت به خدا کرده است.

۴-۸- اسیر نفس شدن

انسان از برترین مخلوقات خداوند است. وجه تفاوت انسان با دیگر مخلوقات چند چیز است که از آن جمله می توان به هوای نفس و عقل اشاره نمود. اگر انسان بتواند به کمک عقل هوای نفس خویش را کنترل نماید می تواند به بالاترین مقام انسانی برسد. هریک از این دو لازم و ملزوم هم هستند. اگر هوای نفس نباشد، ادامه حیات غیرممکن است و اگر عقل نباشد هوای نفس طغیان می کند و سبب گمراهی انسان خواهد شد.

^۱ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۱۵۳

^۲ مصباح الشریعه، ص ۷۹

^۳ هاشمیان، کوه توحید، ص ۲۴۰

مهم ترین عامل فساد و تباهی عقل، پیروی از هوای نفس می باشد و این قضیه در افراد وسواسی مشهود است. شیطان از طریق زایل نمودن عقل، شخص وسواسی را به تبعیت از خود می خواند. انسان وسواسی قبل از آنکه پیرو خدا و عقل باشد، تابع شیطان و هوای نفس خود است و به جای آنکه از حکم خدا و پیامبر تبعیت کند، از هوای نفس خود پیروی می کند و اسیر خواسته های نفس است. همین که نمی تواند در مقابل وسوسه ها مقاومت نماید و هر عملی را مکرراً انجام می دهد، خبر از اسیر شدن توسط نفسش و نفس می دهد. خداوند سبحان در قرآن می فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»؛ اراده خدا بر آسانی است و نمی خواهد به کسی سخت بگیرد. اسلام همان گونه که در روایات آمده، دینی سهل با احکامی راحت و آسان است و در هیچ حکمی سخت گیری نکرده است. اما انسان وسواسی برخلاف حکم خدا و پیامبر و آنچه در رساله ها آمده است، عمل می کند.^۲

آیت الله صافی گلپایگانی می فرماید: من به شما اطمینان می دهم که اگر در برابر نفس اماره مقاومت کنید و عرصه را بر او تنگ نمایید و از آغاز به پیشنهاد و خواسته های او گردن ننهید، سرانجام بر او غالی شده و او اسیر و رام شما خواهد شد. ولی اگر به خواسته های او جواب مثبت بدهید، خواهش های آن بسیار و بشمار است و هرچه از او فرمان ببرید، او فرمان های دیگر و بیشتر می دهد و تا شخصیت انسانی و کرامت آدمی را نابود نکند و او را از مقام خود، ساقط نسازد، قانع نمی شود.^۳

۴-۹- سلب آرامش از انسان

یکی از برترین نعمت ها برای آدمی آرامش است و یکی از آثاری که اعمال صالح به خصوص عبادت و ذکر خداوند در وجود بندگان برجای می گذارد، رسیدن به آرامش و پناهگاه برای خود برگزیده اند و این اثر ایمان و تقوا و اطاعت است که مؤمنان دارند و خداوند ایشان را مستحق چنین مقامی می داند.^۴

یکی از مواردی که این آرامش و راحتی را از میان می برد و به سختی و اضطراب تبدیل می کند، وسواس است. وسواسی آرامش ندارد و دائماً در عذاب است. از طرف دیگر همان گونه که وسواسی مرتب در اضطراب و نگرانی است، یکی از علل

^۱ بقره/۱۸۵

^۲ دستغیب و سلمانپور، چگونگی مانعیت وسواس در اعمال عبادی از رسیدن به روح و مقاصد عبادات، ص ۱۸

^۳ صافی گلپایگانی، با جوانان، ص ۵۴

^۴ فتح/۲۶

پیدایش وسواس نیز اضطراب روح است. کسانی که در زندگی اضطراب و نگرانی های بیشتری دارند، بیشتر از افراد دیگر به وسواس مبتلا می شوند.^۱

آدمی تمایل دارد به هر طریقی، آرامش خود را حفظ نماید. یکی از روش هایی که فرد مبتلا به وسواس در اوایل بیماری، برای کاهش اضطراب ناشی از افکار مزاحم انجام می دهد، تمسک به رفتارهایی که منجر به تسکین نگرانی او می شود. همین مسأله منجر به شکل گیری رفتارهای تکراری و اجباری در او می گردد. چنانچه بیمار در برابر انجام عمل مقاومت نماید، اضطرابش بیشتر می شود. اما به تدریج متوجه می شود که دچار بیماری وسواس شده و سعی می نماید بیماریش را از دیگران مخف نماید و این مخفی کار در تشدید اضطراب او مؤثر است. بستگان نیز به مرور متوجه بیماری وسواس فرد می شوند و تلاش می کنند با سرزنش، نصیحت فرد وسواسی را از این رفتارهای غیر متعارف برحذر دارند. اما همین برخوردها و عکس العمل ها باعث افزایش اضطراب می گردد؛ و در نتیجه رفتارهای تکراری یعنی وسواس ها فزون می یابد.^۲ رفتارهای پرتکرار وسواسی باعث بیشتر شدن اضطراب وی می شود و به تدریج نشاط و پویایی خود را از دست می دهد و غم و اندوه به سراغ وی می آید. وسواسی از زندگیش لذت نمی برد. همه فکر و عملش به تکرار اعمال و رفتارهای باطل معطوف می شود.

منشأ تمام اضطراب و نگرانی انسان، غفلت از یاد خدا است. کسانی که به خداوند ایمان دارند و اعمال خود را طبق فرموده پروردگار انجام می دهند و در این راه استقامت می ورزند خداوند سبحان اندوه شان را از بین می برد: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۳؛ و آرامشی از جانب خود بر قلب هایشان نازل می کند و روح تقوا را با آنان ملازم می کند: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى»^۴ به اطمینان افراد متقی همیشه در مقام امنیت و آسایش قرار دارند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ»^۵ وسواسی همیشه مضطرب است که مبادا عمل او صحیح نباشد. هرچه به این اضطراب بیشتر توجه نماید و دنبال کند اضطرابش شدیدتر می شود که ناگزیر بخشی از واجب را رها می سازد.

^۱ خاکپور، مروری مختصر بر حساسیت اضطرابی و اختلال وسواسی- جبری، ص ۷۰

^۲ اسدالهی، وسواس و سلامت روان، ص ۳۵

^۳ فصلت/ ۳۰

^۴ فتح/ ۲۶

^۵ دخان/ ۵۱

۵- نتیجه

مسیر حرکت روان، همواره با واحدهای ایمانی آغاز می گردد. واحدهای ایمانی با عمل خارجی در درون ذات قرار می گیرند. واحدهای ایمانی تردیدآمیز و توهم آمیز، وسواس آوردند، اگر فردی به این واحدهای ایمانی به خیال درست بودن در موضوع آلودگی و طهارت و نجاست عمل نماید، به ناچار لاجرم مبتلا به وسواس می شود.

«وسواسی» به کسی گفته می شود که این خطورات به طور مستمر برای او پدید می آید و او نیز به آن ترتیب اثر می دهد. به طور کلی، وسوسه به دو قسم وسوسه عملی و وسوسه فکری تقسیم می شود: ۱- وسواس های فکری عبارت از اندیشه ها، افکار، تکانه ها و تصویرهای پایداری هستند که به صورت مزاحم و نامتناسب سراغ فرد می آیند و اضطراب و تنیدگی زیادی را به وجود می آورند. ۲- وسواس های عملی (اجباری) رفتارهای تکراری مانند شستن مکرر دست ها، ایجاد نظم و انضباط به نحو خاص، واریسی کردن و یا اعمال ذهنی نظیر وردخوانی، شمردن و تکرار آرام کلمات هستند که به منظور جلوگیری یا کاهش اضطراب یا تنیدگی انجام می شوند. وسوسه عملی هم این است که انسان در اعمالش دچار وسواس می شود.

وسواس آثار سوئی بر زندگی فردی و اجتماعی فرد وسواسی می گذارد. آیت الله مظاهری در کتاب خود و کلاس های درس خود به موضوع وسواس و تأثیر آن بر زندگی و راه های درمان آن پرداخته اند. برخی از آثار و پیامدهای وسواس که ایشان به آن اشاره داشته اند، عبارتند از: خناس بودن، مطرود شدن از دیگران، اتلاف عمر، قاتل خود و دیگران، دچار سفاهت شدن، بدبینی به اطرافیان، خدا و برگزیدگان، غفلت از یاد خدا، اسیر نفس شدن.

بنا بر دیدگاه آیت الله مظاهری، گاهی خناس انسی یا جنی، خود انسان است که وسوس گر خود می شود. فرد وسواسی بخاطر رفتارهای وسواس گونه اش مورد طرد اطرافیان قرار می گیرد و اکثر افراد از او متنفر می شوند و به طوری که خودش نیز از اعمالش متنفر و منزجر می شود. آیت الله مظاهری وسواسی را مبذر می داند. وسواسی بخاطر اعمال وسواس گونه اش همواره وقت و انرژی خود را تلف می کند. و عمرش را هدر می دهد. آیت الله مظاهری، یکی از آثار و پیامدهای وسواس در زندگی را اینگونه برمی شمرد که فرد وسواسی قاتل خود و دیگران است.

فرد وسواس اگرچه نزد دیگران عاقل بنظر آید، اما به دلیل پیروی کردن از امر شیطان و انجام اعمال وسواس گونه فردی سفیه است. فرد وسواس به مرور زمان نسبت به اطرافیان خود و حتی به خدا و پیامبر و اهل بیتش بدبین می شود. آیت الله مظاهری درباره پیامد وسواس فکری می گوید: فرد وسواسی کم کم دچار وسواس فکری نیز می شود. یعنی تبدیل به فردی بدبین به دیگران و اهل سوءظن و به دنبال آن منزوی از جامعه و بداخلاق در منزل و اجتماع خواهد شد. یکی دیگر از آثار وسواس، غفلت و فراموشی یاد پروردگار است. در واقع سرچشمه وسواس غفلت از یاد خداوند می باشد. همچنین وسواس باعث سلب آرامش فرد وسواسی می شود و وی را دچار اضطراب و نگرانی های بیش از اندازه می کند.

فهرست منابع

• قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

- ۱- احمدی، جمشید، وسواس و درمان آن، شیراز، نوید، ۱۳۶۸.
- ۲- اسدالهی، قربانعلی، وسواس و سلامت روان، اصفهان، فرهنگ مردم، ۱۳۸۸.
- ۳- خاکپور، ساحل، مروری مختصر بر حساسیت اضطرابی و اختلال وسواسی- جبری. روانشناسی و روانپزشکی شناخت، دوره ۵.
- ۴- دستغیب، سیده معصومه؛ سلمانپور، محمدجواد، چگونگی مانعیت وسواس در اعمال عبادی از رسیدن به روح و مقاصد عبادات، کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی، ۱۳۹۹.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- صافی گلپایگانی، لطف الله، با جوانان، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.
- ۷- طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۸- فیاضی، سید علیداد، بررسی علل و راهکارهای پیشگیری و درمان وسواس با تأکید بر منابع اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، جامعه العالمیه، ۱۳۹۹.
- ۹- قائمی امیری، علی، وسواس، تهران، امیری، ۱۳۷۰.
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۱۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ۱۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: موسسه فرهنگی دارالحديث، ۲۰۰۱م.
- ۱۳- مصباح الشریعه منسوب به امام جعفر صادق (ع)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
- ۱۴- مظاهری، حسین، راهکارهای عملی درمان وسواس به انضمام احکام و استفتائات، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا.
- ۱۵- مظاهری، حسین، به سوی حق، بخش پنجم، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مظاهری، <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx>
- ۱۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
- ۱۷- نارویی نصرتی، منصور، محمود؛ طرح خودیابی اسلامی و درمان وسواس (آلودگی و طهارت، نجاست)، فصلنامه روانشناسی و دین، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰-۱۴۵.
- ۱۸- هاشمیان، هادی، کوه توحید (بررسی سیر زندگی، افکار، آثار و سیدالعارفین آیت الله سیدعلی آقا قاضی طباطبایی تبریزی (ره))، تبریز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی.